



نگاه دیگری بر گذر سیاوش از آتش

سیاوش



بررسی اول

پراندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه‌ی نیک‌پی

در این بیت، این پرسش مطرح شده است که چرا سودابه، با وجود شخصیت منفی، به صفت «نیک‌پی» موصوف شده است؟ به زعم نویسنده‌ی محترم مقاله‌ی مذکور، یا باید لفظ شوم‌پی را صورت اصیل و صحیح در این بیت دانست یا برای صفت نیک‌پی، لحن و بیان طنزآمیز و با گوشه و کنایه و طعنه در نظر گرفت. آشکار است در صورتی که کاربرد صفت شوم‌پی در این بیت، به وزن آن آسیبی وارد نمی‌کند، استفاده از صفت نیک‌پی، از دید حکیم توس، باید دلیلی موجه داشته باشد. از این‌رو در این بخش، با در نظر گرفتن صفت نیک‌پی به‌عنوان صورت درست بیت، دلیل این شاعر گران‌قدر جست‌وجو می‌شود:

۱. به واسطه‌ی واو عطف میان فرزند و سودابه، صفت نیک‌پی به فرزند نیز معطوف است. در نتیجه، نیک‌پی تنها به وصف سودابه نمی‌پردازد و فرزند (سیاوش) را نیز در برمی‌گیرد.
۲. حکیم توس، در توصیف شخصیت‌های نابه‌کار نیز از صفات نیک، بهره برده است. برای نمونه، گرسیوز از منفی‌ترین چهره‌های شاهنامه است. اما در شاهنامه از او به وصف نیک‌نام و نیک‌خواه یاد شده است.

فرستاده آمد بدادش پیام / ز شاه وز گرسیوز نیک‌نام (داستان سیاوش: ۸۷۳)

وزان روی گرسیوز نیک‌خواه / بیامد بر شاه توران سپاه (همان: ۹۱۷)

۳. وصف شخصی به یک صفت خاص، به موقعیت شخصیت در داستان وابسته است. چنان‌که وصف گرسیوز به دو صفت نیک‌نام و نیک‌خواه پیش از آشکار شدن کینه‌ورزی او نسبت به سیاوش صورت گرفته است و پس از آن از او با صفت کینه‌جوی یاد می‌شود. یا در همین داستان سیاوش، از زبان افراسیاب، گیو و کیخسرو «دیوزاد» خوانده می‌شوند.

چکیده

در شماره‌ی ۳۸ این مجله، مقاله‌ای با عنوان شرح دشواری‌های درس «گذر سیاوش از آتش» چاپ شده بود که به برخی از این دشواری‌ها پرداخته بود. این نوشتار تلاش دارد، ضمن تبیین ریشه آئینی گذر سیاوش از آتش، برخی موارد ذکر شده در مقاله مذکور را بررسی کند.

کلمات کلیدی

سیاوش، گذر از آتش، سوگند، نیک‌پی، مغز

سکینه مرادی کوچی
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی

که گرگیو و کیخسرو دیوزاد / شوند / بر غزنده گرتیزاد (همان: ۳۴۳۷)

وصف سودابه با صفت نیک‌پی نیز از آن‌روست که این بیت در اصل جزئی از اندیشه‌ی کاووس است که هنوز از گناهکاری فرزند یا همسرش که چون خون و مغز و جزئی از وجود اویند، در تردید است. در ذهن او، سودابه نه جادوگری خیانتکار، که همان شاه‌دخت زیبایی است که در تنهایی و سختی زندان هاماوران او را همراهی می‌کرد.

بررسی دوم

چو فرزند و زن باشدم خون و مغز / که را بیش بیرون شود کار نغز

ظاهراً اختلاف در مصراع دوم است. در توضیح این بیت، در کتاب به معنایی مفهومی بسنده شده است: دیگر برای کسی عجیب‌تر از این خواهد بود؟ (کاووس در گفت‌وگویی با خود به کنایه و تمسخر می‌گوید: از این بدتر هم می‌شود؟) برای یافتن معنای بیت باید به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی بیت توجه کرد. فعل «بیرون شود» در فرهنگ‌ها دارای معنای خاصی نیست و همگان آن را دارای معنایی آشکار و بدیهی می‌دانند و از آوردن معنایی برای آن پرهیز کرده‌اند. در این بیت فعل «بیرون شود» هم‌سوی معنای اصلی‌اش، معنایی کنایی یافته است. تصویر این فعل به ترتیب خارج شدن، در معرض دید قرار گرفتن، بر ملا شدن، آشکار شدن و نیز سر زدن را به ذهن متبادر می‌کند. با کمی تأمل به نظر می‌رسد آشکار شدن، ما را به مقصود برساند. واژه‌ی نغز نیز به خوب، نیک، نیکو، بدیع و عجیب، شیوا، شایسته، مطبوع و... معنا شده است. از سوی دیگر مصراع دوم در نسخ چاپی به دو صورت ضبط شده است:

– که را بیش بیرون شود کار نغز

– که را پیش بیرون شود کار نغز

در این صورت با در نظر گرفتن موارد ذکر شده و فضای مورد نظر بیت‌ها، که ذهن آشفته، نگران و سرگردان کاووس را می‌نمایاند، بیت را به چند صورت می‌توان معنا کرد:

الف) صورت ضبط شده «که را بیش بیرون شود کار نغز»

۱. در حالی که زن و فرزندم، چون خون و مغز من و جزئی از وجود من‌اند، شایستگی کدام‌یک بیش‌تر بر من آشکار خواهد شد؟
۲. در حالی که زن و فرزندم چون خون و مغز من، جزئی از وجود من‌اند (نابه‌کار باشند)، چه کسی بیش از آنان کار شایسته، نیک، پسندیده انجام خواهد داد؟ (از چه کسی می‌توان بیش از این انتظار داشت؟)

۳. می‌توان با در نظر گرفتن کلمه‌ی نغز به معنای عجیب، هم‌چون توضیح کتاب این‌گونه نتیجه گرفت که برای چه کسی کاری عجیب‌تر از این اتفاق خواهد افتاد (سر خواهد زد).

ب) صورت ضبط شده «که را پیش بیرون شود کار نغز»

می‌توان بیت را موقوف‌المعانی و وابسته به بیت ماقبلش دانست که کاووس نگران قضاوت مردم درباره‌ی پادشاهی و شخصیت خود است و بیت را این‌گونه معنا کرد:

در حالی که زن و فرزندم چون خون و مغز جزئی از وجود من‌اند، پیش که (نزد که) حقیقت و بی‌گناهی من در این ماجرا آشکار خواهد شد؟ شاید معمای بیت در این نکته نهفته باشد و آن معنای کلمه‌ی نغز در این بیت است. همان‌طور که ذکر شد، معنایی که برای نغز در نظر گرفته می‌شود معنایی است از قبیل خوب، نیک، نیکو، زیبا، بدیع، شیوا، شایسته، ملایم، مطبوع، عجیب، لطیف، شاداب و شیرین. اما در فرهنگ دهخدا ذیل نغز، معنایی متفاوت نیز آمده است: برآغیلیدن قوم را و تباهی افکندن بین‌قومی. از این‌رو، بیت معنایی این‌چنین نیز می‌یابد؛ در حالی که زن و فرزندم چون خون و مغز من‌اند، تباهی و فساد از کدام‌یک سر زده است؟ (تباهی و فساد کدام‌یک آشکار می‌شود؟) با این حال، هنوز این پرسش باقی است که معنای اصلی این بیت کدام‌یک از موارد بالاست و آیا در این گذر به معنای اصلی اشاره شده است؟ از این‌رو شاید بهتر باشد، برای کشف مفهوم بیت، گریزی به داستان بزنیم. این ابیات هنگامه‌ای را به وصف می‌کشد که فاجعه‌ای چنین نابهنگام، کاووس را به اندیشه‌ای سخت فرو برده است:

بر اندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه‌ی نیک‌پی

کزین دو یکی گر شود نابه‌کار / از آن پس که خواند مرا شهریار

چو فرزند و زن باشدم خون و مغز / که را بیش، بیرون شود کار نغز

ذهن او به یک‌باره در گردابی سخت غوطه می‌خورد. نیک، مهر و محبتی که از هر دو به دل دارد، ترسی که از گناهشان به جان‌ش افتاده، تردیدی که از خیانت هر یک دارد، نگرانی از پیش‌داوری مردم درباره‌ی تاج و تخت و... این همه را و بسیاری دیگر را در اندیشه دارد. از این‌رو به نظر می‌رسد این بیت، گنجایش همه‌ی معانی ذکر شده و معانی دیگری از این دست را دارد. چه این بیت هرگونه معنا شود، پاره‌ای از اندیشه‌ی کاووس را برمی‌تابد. جنبه‌ی ابهام‌آمیز این بیت، آشفته‌گی، نگرانی و بهت کاووس را به تمامی می‌نمایاند.

منابع

۱. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، ج ۱، انتشارات توس، ۱۳۶۲. ۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه‌ی دهخدا، مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، ۱۳۶۵. ۳. روزنبرگ، دنا، ۱۳۷۹، اساطیر جهان، ج ۱، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹. ۴. سنگری، محمدرضا و همکاران، زبان و ادبیات فارسی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی، ج ۹، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۲. ۵. موسوی، علی‌اصغر، گذر سیاوش از آتش، مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، شماره‌ی ۸۳، ۱۳۸۶.